

A Camel Passing Through a Needle Hole: A Qur'anic Interpretation of the Bible

*Author: Abdulla.Galadari**

*Translator: Nasims Hasani***

Abstract

The metaphor of the camel passing through the eye of the needle is found in the Synoptic Gospels (Matthew 19:24, Mark 10:25, Luke 18:25) and the Qur'an (7:40). The Gospels seem to suggest that it is easier for a camel to pass through the eye of a needle than for a rich person to enter the Kingdom of Heaven. The Qur'an, on the other hand, puts the metaphor in the context of disbelievers who are arrogant (*istakbarū*) toward God's signs. At the outset, it would seem that the passage's contexts in the Gospels and the Qur'an are different; however, through a closer analysis of the keywords, there are textual parallels that can be extracted from both texts and go beyond simply the use of this analogy in common, as previous scholars have thought. For instance, the rich man in the Gospels is asking about inheriting eternal life, while the Qur'an also discusses eternal life and inheritance in the same context. These and several other textual parallels suggest that the Qur'an is alluding to the same context for the metaphor as the Gospels do.

Keywords

Intertextuality, Qur'an, Gospels

* Lecturer at Al-Khalifa University Abu Dhabi, United Arab Emirates.
abdulla.galadari@ku.ac.ae

** Graduate of Master of Quranic and Hadith Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. nasimshasani@gmail.com

عبور شتر از سوراخ سوزن: تفسیری قرآنی از انجیل‌ها

مؤلف: عبدالله گل‌داری*

مترجم: نسیم حسنی**

چکیده

استعاره عبور شتر از سوراخ سوزن در انجیل‌های هم‌نوا (متی، باب نوزدهم آیه ۲۴؛ مرقس، باب دهم آیه ۲۵؛ لوقا، باب هجدهم آیه ۲۵) و قرآن (سوره اعراف، آیه ۴۰) مطرح شده است. ظاهراً انجیل می‌گوید که عبور شتر از سوراخ سوزن راحت‌تر از ورود فردی ثروتمند به قلمرو بهشت است. از سوی دیگر، قرآن این استعاره را در بافتار تکذیب‌کنندگانی بیان می‌کند که در برابر آیات خدا متکبرند (استکبروا). در بادی امر به نظر می‌رسد که بافتار این استعاره در انجیل‌ها و قرآن متفاوت است. اما با تحلیل دقیق‌تر کلیدواژه‌ها، تشابهاتی متنی دیده می‌شود که از هر دو متن قابل استخراج هستند و برخلاف تصور محققان پیشین، فراتر از کاربرد مشترک این تمثیل است. برای نمونه، مرد ثروتمند در انجیل‌ها از به‌ارث‌بردن زندگی جاودانه می‌پرسد، و درعین حال قرآن نیز در مورد زندگی جاودانه و میراث‌بری در بافتاری مشابه صحبت می‌کند. این موارد و چندین تشابه متنی دیگر حاکی از آن است که قرآن تلویحاً همان بافتاری را برای استعاره مطرح می‌کند که انجیل‌ها هم به آن می‌پردازند.

کلید واژگان: میان‌متنیت، قرآن، انجیل‌ها.

* مدرس دانشگاه الخلیفه ابوظیبی، امارات متحده عربی abdulla.galadari@ku.ac.ae

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
nasimshasani@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۲

مقدمه

در این گفتار استعاره عبور شتر از سوراخ سوزن در انجیل‌های هم‌نوا (متی، باب نوزدهم آیه ۲۴؛ مرقس، باب دهم آیه ۲۵؛ لوقا، باب هجدهم آیه ۲۵)^۱ و قرآن (سوره اعراف، آیه ۴۰) مقایسه شده است. در آیه ۴۰ سوره اعراف آمده است: «در حقیقت کسانی که آیات ما را دروغ شمردند و از (پذیرفتن) آنها تکبر ورزیدند (استکبروا)، درهای آسمان (السَّمَاء) را برایشان نمی‌گشایند و در بهشت در نمی‌آیند مگر آنکه شتر (الْجَمَل) در سوراخ سوزن داخل شود و بدین‌سان بزهکاران را کیفر می‌دهیم.^۲

در این آیه به‌نظر می‌رسد قرآن خطاب به کسانی که در مقابل نشانه‌های خدا تکبر می‌ورزند (استکبروا) می‌گوید نه درهای بهشت به روی آنها باز می‌شود و نه به آن وارد خواهند شد، {مگر} وقتی که شتر از سوراخ سوزن عبور کند. اریک بیشپ (۱۹۴۱) رابطه بین این آیه قرآن و قول معروف عیسی در انجیل‌های هم‌نوا را بررسی کرده است (صص. ۳۵۹-۳۵۴). از نظر او احتمالاً تنها نقل قول مستقیم قرآن از انجیل‌ها همین بخش است که در آن از درهای بهشت و قلمرو خداوند صحبت می‌شود.

آنگاه عیسی به شاگردان خویش را گفت: «به‌راستی شما را می‌گویم که درآمدن به ملکوت آسمان‌ها بر توانگر^۳ دشوار خواهد بود. آری، دگربار شما را می‌گویم که گذشتن شتر از روزن سوزن آسان‌تر است تا درآمدن توانگر به ملکوت آسمان‌ها» (صص. ۳۵۴-۳۵۹).

اما با وجود هم‌سانی‌ها بین متون کتاب مقدسی و قرآن، ناهم‌سانی‌ای قابل ملاحظه نیز وجود دارد: انجیل‌ها از فرد ثروتمند می‌گویند، حال آنکه قرآن از کسانی سخن می‌گوید که متکبرانه آیات خداوند را تکذیب می‌کنند. اگر بپذیریم که قرآن نقل قولی از متن کتاب مقدسی است (یا اشاره‌ای به آن دارد)، پس چرا به‌نظر می‌رسد که از سنخ دیگری از مردم سخن می‌گوید؟ مگر اینکه قرآن کسانی را که متکبرانه آیات خداوند را تکذیب

1. Synoptic Gospels

۲. ترجمه آیات قرآن کریم در متن انگلیسی برگرفته از نصر (۲۰۱۵) است؛ ترجمه فارسی در متن حاضر از فولادوند است. کمانک‌ها {} در سراسر متن از مترجم است (پانویشت شماره ۱ در متن انگلیسی به قرینه این پانویشت حذف می‌شود). - م.

3. Plousios

می‌کنند با {فرد} ثروتمند برابر داند. بررسی دقیق و زبان‌شناسانه انجیل‌ها و قرآن ارتباطی جالب را آشکار می‌کند که می‌تواند حاکی از آن باشد که وقتی قرآن این آیه را نقل قول می‌کند انجیل را (یونانی یا آرامی)^۱ بدون تغییر چندانی در موضوع، تفسیر کرده است، خواه به {فرد} ثروتمند مرتبط باشد خواه به {فرد} متکبر. موک علی (۲۰۰۸) وقتی به این نقل قول از انجیل در قرآن اشاره می‌کند ارتباط میان‌متنی سامی بین انجیل آرامی و قرآن عربی را در نظر می‌گیرد؛ گرچه او اذعان می‌کند که قرآن در این آیه به کسانی اشاره دارد که متکبرانه آیات خدا را تکذیب می‌کنند اما انجیل از فردی ثروتمند حکایت می‌کند (صص. ۷۲-۹۸)، باین حال وقتی که این دو منبع را مقایسه می‌کند نمی‌تواند رابطه‌ای بین آنها پیدا کند. از این رو، علی نتیجه می‌گیرد که قرآن از انجیل نقل قول نمی‌کند، بلکه تنها استعاره‌ای مشابه را به کار می‌برد. این گفتار نشان می‌دهد که مسأله لزوماً همین مورد نیست، چرا که بین مرد ثروتمند، که مورد اشاره انجیل‌های یونانی (Plousios) یا انجیل‌های آرامی (tyr^۴) است، و تکذیب‌کنندگان متکبر آیات خداوند در قرآن عربی^۵ ارتباطی زبان‌شناختی وجود دارد. از این گذشته، چه‌بسا قرآن از دیاتسرون تاتیان به‌مثابه نقشه راه استفاده کرده است، هرچند قراین این گزاره هنوز ناقص است.

برخی محققان بر این باورند که منبع قرآنی برای نقل قول انجیل از عبور شتر از سوراخ سوزن می‌تواند ترجمه‌ای عربی یا سریانی از مکتوبات مسیحی یا سنت شفاهی باشد بنگرید به بل ۱۹۳۷، جلد اول، ص. ۱۴۱. همچنین بنگرید به بیشپ، ۱۹۴۱، ص. ۳۵۸-۳۵۹؛ البداوی، ۲۰۱۳، ص. ۲۳۶). برای نمونه، بیشپ در تحلیل خود از این متن احتمال می‌دهد که قرآن از سنت سریانی نقل قول می‌کند؛ سنتی که در سراسر عربستان گسترش یافته بود (بیشپ، ۱۹۴۱: ص. ۳۵۸). او به‌ویژه معتقد است که دیاتسرون سریانی تاتیان^۲ (۱۸۰ پس از وفات مسیح) می‌تواند منبع قرآنی باشد.^۳ او اظهار می‌کند که ترجمه

۱. انجیل آرامی‌ای (Aramaic) که در این گفتار مورد اشاره قرار می‌گیرد پشیتنا (Peshitta) است، مگر اینکه به‌طریقی دیگر در بحث از نسخه قدیمی سریانی (Syriac) و دیاتسرون (Diatessaron) {ترجمه} تاتیان (Tatian) اشاره شود {بنگرید به پانوش ۱، ص. ۴}.

2. Diatseron Syriac Tatian

۳. دیاتسرون انجیلی است که توسط تاتیان گردآوری شد. او در این انجیل تلاش می‌کند تمام چهار انجیل را با یکدیگر هماهنگ کند. این باور وجود دارد که این کتاب اصلاً به زبان سریانی نوشته (۱۶۰-۱۷۵) و سپس سده‌ها

عربی این بخش در دیاتسرون تاتیان از عبارت‌پردازی مشابه با قرآن استفاده می‌کند، که با ترجمه‌های شناخته‌شده انجیل‌های عربی متفاوت است (بیشپ، ۱۹۴۱: ص. ۳۵۶). «سورخ سوزن» در دیاتسرون عربی به «سَمَّ الْخِيَاطِ» ترجمه شده است، که با عبارت‌پردازی قرآن مطابقت دارد، اما با ترجمه‌های عربی انجیل‌ها متفاوت است. نکته‌ای دیگر که بیشپ مورد توجه قرار می‌دهد این است که عبارت «عبور کردن از»، که در قرآن مانند دیاتسرون عربی «يَلِج» است، با ترجمه‌های عربی انجیل‌ها، که نوعاً از واژه^۱ «دخول» یا «مرور» استفاده می‌کنند، تفاوت دارد (بیشپ، ۱۹۴۱: ص. ۳۵۷). بیشپ معتقد است که حتی اگر دیاتسرون تاتیان سده‌ها پس از {حضرت} محمد به عربی ترجمه شده باشد، لزوماً تحت تأثیر عبارت‌پردازی قرآنی قرار نگرفته است، چراکه این عبارت‌پردازی بر ترجمه‌های عربی انجیل‌ها تأثیرگذار نبوده است (بیشپ، ۱۹۴۱، صص. ۳۵۶-۳۵۷). فرضیه او این است که امکان دارد منابع قرآنی از سنت‌های سریانی بوده و به دیاتسرون تاتیان رسیده‌اند (بیشپ، ۱۹۴۱، ص. ۳۵۷). اما به نظر من این استدلال نسبتاً ضعیف است.

گویی بیشپ تلویحاً اشاره می‌کند که چون قرآن بر ترجمه‌های عربی انجیل‌ها تأثیرگذار نبوده است نمی‌توانسته ترجمه عربی دیاتسرون تاتیان را تحت تأثیر قرار دهد (بیشپ، ۱۹۴۱، ص. ۳۵۷-۳۵۸). اما با فرض وجود سنتی شفاهی از دیاتسرون تاتیان، که چه بسا بر عبارت‌پردازی قرآنی تأثیر گذاشته باشد، چرا این سنت به‌نوبه‌ی خود بر ترجمه‌های عربی انجیل‌ها اثرگذار نبوده است؟ این استدلال می‌تواند از هر دو جهت نتیجه عکس دهد. ذکر این نکته حائز اهمیت است که واژه «يَلِج» به معنای «عبور کردن» در ترجمه عربی دیاتسرون تاتیان در بخش مربوط به عبور از سورخ سوزن به جای واژه‌های یونانی *dielthein dia* (متی، باب نوزدهم آیه ۲۴؛ مرقس، باب دهم آیه ۲۵) یا *eiselthein dia* (لوقا، باب هجدهم آیه ۲۵) به کار می‌رود، جایی که دیاتسرون عربی می‌گوید «انه سهل الا الجمل ان يليج سم الخياط من ان يدخول الغني ملكوت الله» (باب بیست و نهم آیه ۲). اما، آنجا که ترجمه عربی دیاتسرون تاتیان از انجیل متی (باب هفتم آیه ۱۳) در

پس از درگذشت {حضرت} محمد به عربی ترجمه شده است. ترجمه عربی موجود منسوب به ابوالفرج عبدالله ابن الطیب (متوفی ۱۰۴۳) است.

۱. در متن حاضر، «واژه» غالباً معادل Term است - م.

خصوص ورود به دروازه تنگ نقل قول می‌کند از واژه «لُجُو» هم برای واژه یونانی eiselthate استفاده می‌کند (باب دهم آیه ۳۲)، حتی اگر عبارت پردازی‌ای مستقیم وجود نداشته باشد که بتواند این بخش را در انجیل و قرآن، که واژه «یَلِج» را به کار می‌برد، پیوند دهد.

عمران البداوی (۲۰۱۴) اشاره می‌کند که احتمالاً متن سریانی مسیحی یا سنت شفاهی دوباره مفصل‌بندی {و بازگویی} شده است، گرچه او به تفاوت بین هشدار انجیل درباره فرد ثروتمند و {انذار} قرآن درباره کسانی که آیات خداوند را متکبرانه نمی‌پذیرند اذعان می‌کند (البداوی، ۲۰۱۴: ص. ۱۸۸). قرآن و ارتباط احتمالی آن با {زبان} سریانی مدت‌ها مورد بحث قرار گرفته است. آرتور جفری (۱۹۳۸) در «واژگان بیگانه قرآن» پرتوی نو بر {فهم ما از} وام‌واژه‌هایی^۱ احتمالی می‌اندازد که قرآن به واسطه محیط اجتماعی مسیحی در عربستان از سریانی وام گرفته است. گونتر لولینگ^۲ (۱۹۷۴) و کریستوف لوکسنبرگ^۳ (۲۰۰۰) ریشه‌های سریانی احتمالی قرآن را مطرح کرده‌اند. این گفتار روشن می‌کند که اشاره قرآنی به انجیل‌ها درباره موضوع عبور شتر از سوراخ سوزن احتمالاً معطوف است به دیاتسرون تاتیان یا مبتنی بر آن است، و قرآن بافتار بحث خود را که مشتمل بر مرد ثروتمند است بدون تغییر محتوای موضوع تفسیر می‌کند.

روش چندمعنایی میان‌متنی که در این پژوهش به کار می‌رود در اثر پیشین من که در ارتباط با «قبله» و «شماع» بود نیز استفاده شد (گلداری، ۲۰۱۳a، صص. ۱۶۵-۱۹۴). همچنین بنگرید به گلداری، ۲۰۱۳b، صص. ۳۵-۳۶).^۴ این روشی معناشناختی است که

1. Loanword

2. Gunther Lolling

3. Christoph Luxenberg

۴. گلداری معتقد است که قرآن از شیوه اشارت‌گری برای نقل و تفسیر کتاب مقدس استفاده می‌کند. او روش چندمعنایی میان‌متنی (Intertextual Polysemy) را برای بررسی ریشه‌ای کلیدواژه‌ها، فهم معانی مختلف و تک‌واژشناسی (Morphology) آنها و همچنین شناسایی هم‌ریشه‌ها (Cognate) در کتاب مقدس و قرآن به کار می‌برد. از نظر گلداری، وقتی می‌توان از چندمعنایی سخن گفت که یک واژه چندین معنا داشته باشد و این معانی به نحوی با یکدیگر در ارتباط باشند. چندمعنایی به‌ویژه در مورد زبان‌های سامی حائز اهمیت است، چرا که این زبان‌ها مبتنی بر تک‌واژشناسی ریشه‌محور (مشتقات) هستند. به عبارت دیگر، مشتقات در زبان‌های سامی براساس ریشه معمولاً سه‌حرفی واژه‌ها شکل می‌گیرند و معانی و مفاهیم گوناگون را به ذهن متبادر می‌کنند (برای مطالعه بیشتر بنگرید به گلداری، ۲۰۱۳a) - م.

در آن کاربرد یکسان یا مشابه با واژه‌ها و معانی بین متون و بافتار احتمالی چه‌بسا اشاره‌ی {میان‌متنی} باشد. این گفتار ارتباط قرآن با انجیل‌های هم‌نوا را تبیین می‌کند.

۱. موارد میان‌متنی

{در اینجا} یازده مورد میان‌متنی در مورد عبور شتر از سوراخ سوزن بین قرآن و انجیل‌ها و شرح کتاب مقدسی آنها را مشخص می‌کنم. بدیهی است که نخستین میان‌متنیت تمثیلی یکسان است که {در هر دو متن} به‌کار رفته است.

واژه یونانی که در آیه‌های ۲۳ و ۲۴ باب نوزدهم انجیل متی، آیه ۲۵ باب دهم انجیل مرقس و آیه ۲۵ باب هجدهم انجیل لوقا به‌معنای «ثروتمند» به‌کار می‌رود Plousios یا Plousion است، که به فراوانی و ثروت اشاره می‌کند؛ گرچه ریشه آن به‌معنای «وفور»، «فرونی» یا «فراوانی» است (دکتر، ۲۰۰۰: ص. ۸۳۱). به‌لحاظ ریشه‌شناختی، واژه یونانی Plousios یا Ploutos، که به‌معنای «ثروت» است، ارتباط دارد (بنگرید به کیتل و همکاران، ۱۹۶۴، جلد ششم، ص. ۳۱۸). واژه Plousios یا Polus، به‌معنای «پرشدن»، (کیتل و همکاران، ۱۹۶۴، جلد ششم، ص. ۳۱۹. همچنین بنگرید به دنکر، ۲۰۰۰، ص. ۸۳۲) یا با Polys به‌معنای «زیاد» در ارتباط است. همچنین، واژه Polys در آیه پیشین انجیل متی (باب نوزدهم آیه ۲۲)، جایی که انجیل خبر می‌دهد که مرد دارایی‌هایی زیاد (Polys) داشت، به‌کار می‌رود. واژه‌ای که در قرآن معنای «متکبر» را افاده می‌کند «استکبروا» با ریشه‌ی «کبر» است، که به‌لحاظ ریشه‌شناختی به‌معنای «افزودن» و «بزرگی» است (ابن منظور، ۱۹۹۴: صص. ۱۲۵-۱۳۱). همچنین در زبان آرامی، واژه «کبر» به‌معنای «بزرگ‌کردن»، «زیادکردن» و «فراوانی» است، همان‌طور که واژه سریانی «کبیر» نیز برای افاده معنای «ثروتمندی» و «ثروت» به‌کار می‌رود (بنگرید به اسمیت، ۱۹۰۲، ص. ۲۰۳. همچنین بنگرید به براون و همکاران، ۲۰۰۰، ص. ۴۶۰)، گرچه پشیتنا در این آیه از واژه «تر» به‌معنای «ثروتمند» استفاده می‌کند، که با واژه عبری و عربی «عشر^۱» هم‌ریشه است. باوجود اینکه کتاب مقدس عبری واژه Ashr را در معنای «ثروتمند» به‌کار می‌برد، ریشه واژه Shr معنای «فراوانی» را می‌رساند (در مورد واژه Ashr بنگرید به باتروک و رینگرن،

۱۹۷۷، جلد یازدهم، صص. ۴۱۷-۴۱۸) و واژه عربی «مَعَشَر» به معنای «تعداد زیادی» است (ابن منظور، ۱۹۹۴: ص. ۴۵۷). بنابراین، تعریف ریشه Shr به Plousios هم شباهت دارد، و معنای «فراوانی» را که در «کبر» است در برمی‌گیرد.

هنجارشکنی‌های تک‌واژی^۱ Plousios گاهی توسط {کتاب مقدس} هفتادگانی^۲ در خصوص «خودسری» (یا شاید تکبر) به کار می‌رود. هفتادگانی عبارت she'on 'alozim hadal (هیاهوی سرمست بازایستاد) در آیه ۸ باب بیست و چهارم کتاب اشعیا را به pepautai authadia kai ploutos asebon (بازایستاد خودسری لجوج و {بازایستادند} ثروتمندان بی‌دین {بی‌اعتنا به مقدسات}) ترجمه کرده است. فرضیه‌های زیادی در مورد ریشه‌شناسی واژه عبری Aliz به معنای «مغرور بودن» وجود دارد؛ یکی از این فرضیه‌ها هم‌ریشه عربی «غلیظ» به معنای «پر نخوت بودن» {به طعنه: مغرور بودن} را مطرح می‌کند (در مورد Zl بنگرید به باتروک و رینگرن، ۱۹۷۷، جلد اول، صص. ۲۹۲-۲۹۳). گرچه {نکته اخیر} نامحتمل است، ظاهراً مترجمان هفتادگانی «هیاهوی سرمست» را هیاهوی افرادی فهمیده‌اند که هم‌سو با ثروتمندان متکبر هستند. به‌طور مشابه، هفتادگانی از Plousioi در آیه ۱۴ باب پنجم کتاب اشعیا برای کسانی استفاده می‌کند که she'onahwa-'alozim هستند (کسانی) که [شعول] خود را خوش‌گذرانی و شادی می‌کنند). واژه کتاب مقدس عبری که نوعاً برای «بزرگی»، نظیر «کبر» عربی، به کار می‌رود Gdl است. در آیه ۴ باب اول کتاب استر،^۳ هفتادگانی واژه Gedolat را برای «بزرگی» به Ploutou ترجمه می‌کند. چون که متن از ثروتمندان با واژه عبری Osher صحبت می‌کند، می‌توان فرض کرد که به Ploutos هم ترجمه می‌شود، و بزرگی‌ای که در این متن خاص مورد اشاره قرار می‌گیرد بزرگی ثروت است. اما هفتادگانی همچنین Gedulat را در آیه ۲ باب دهم کتاب استر به Plouton^۴ ترجمه می‌کند، گرچه که بافتار چنین فهمی را ایجاب نمی‌کند. با این وجود، باید اشاره شود که در این متن، فردی که Gedulat (Plouton) در

1. Morphological Derivation

۲. براساس روایت‌های موجود، وجه تسمیه هفتادگانی (Septuagint) هفتاد نفری است که کتاب مقدس را در

سده سوم میلادی از عبری به یونانی ترجمه کردند - م.

۳. استر (Esther) عنوان کتابی در بخش سوم عهد عتیق است - م.

۴. ثروتمندان

نظر گرفته می‌شود مردخای^۱ است، و مترجمان در این مورد واژه Plouton را به معنای دقیق کلمه «متکبر» تلقی نکردند.

حتی اگر واژه کبر به معنای «بزرگی» و «فراوانی» باشد، واژه نوعی برای «فرد ثروتمند» در عربی «غنی» است، که می‌توان آن را به یونانی Plousios، و در نتیجه «ثروتمند» در نظر گرفت. در همین مورد، جالب است که قرآن در برخی آیه‌هایی که در امتداد استعاره شتری که از سوراخ سوزن عبور می‌کند می‌آیند (اعراف: ۴۸)، بازی با کلماتی تک‌واژی را در مورد واژه‌های «غنی» و «کبر» به کار می‌برد، و با این اوصاف دومین نکته میان‌متنی است. اما در آیه ۴۸ سوره اعراف از واژه‌های «ما اُغْنی» که به معنای «سود نبخشیدن» است^۲ استفاده می‌شود، که همان ریشه مشترک «غنی» را دارد. همان‌طور که ظاهراً رابطه‌ای میان‌متنی بین آیه ۴۰ و ۴۸ سوره اعراف امکان‌پذیر است، چه بسا این پرسش مطرح شود که واژه «اَسْتَكْبِرُوا» یا «تَسْتَكْبِرُونَ» هم می‌تواند اشاره‌ای به «غنی»، که به معنای «شخص ثروتمند» است، باشد. واژه قرآنی «ما اُغْنی» می‌تواند معنای «توانگر نمی‌کند» را نیز داشته باشد. به این ترتیب آیه ۴۸ سوره اعراف را می‌توان این‌طور ترجمه کرد: «جمعیت شما و آنچه با آن خود را توانگر می‌کردید (تَسْتَكْبِرُونَ)، شما را توانگر نمی‌کند (ما اُغْنی)».^۳ آیه قرآنی مورد نظر غالباً به‌قرار زیر ترجمه و استنباط می‌شود:

و اهل اعراف مردانی را که آنان را از سیمای‌شان می‌شناسند ندا می‌دهند
[و] می‌گویند «نه جمع‌آوری‌تان شما را سود بخشیده است [شما را توانگر
کرده است] (ما اُغْنی)، نه تکبر افزایش‌تان [خود را توانگر می‌کردید]
(تَسْتَكْبِرُونَ).^۴ (اعراف: ۴۸).»

1. Mordecai

۲. فولادوند «ما اُغْنی» را «سود نداشتن» ترجمه کرده است - م.
۳. ترجمه آیه در این پاراگراف براساس ترجمه انگلیسی گلداری و از مترجم فارسی است. تأکیدهای داخل پرانتز () از گلداری است - م.
۴. شاید منظور توانگر کردن نفس‌پرستی {ego} فرد باشد (یعنی تکبر).
۵. ترجمه خارج گیومه () از فولادوند است. ترجمه داخل گیومه از مترجم فارسی و مبتنی بر ترجمه انگلیسی‌ای است که نویسنده به‌کار برده است. تأکیدها در کروشه [] و پرانتز () از نویسنده است؛ جز در مواردی که

سومین مورد میان‌متنیت^۱ بین پرسش مرد ثروتمند در انجیل‌ها و قرآن شاید حضور واژه «جاودانه» باشد (متی، باب نوزدهم آیه‌های ۱۶ و ۲۹؛ مرقس، باب دهم آیه ۱۷، لوقا، باب هجدهم آیه‌های ۱۸ و ۲۹)؛ در یونانی Aionion {معادل} زندگی جاودانه است. واژه‌ی یونانی Aionion با واژه‌ی عربی «خالِدُون» قابل‌مقایسه است، که به‌معنای «جاودانه» نیز است (ابن منظور، ۱۹۹۴: ص. ۱۶۴-۱۶۵). در هر انجیل، جایی که به استعاره عبور شتر از سوراخ سوزن اشاره می‌شود، واژه «جاودانه» دومرتبه در بافتاری مشابه به‌کار می‌رود. در قرآن، واژه «خالِدُون» {به‌عنوان معادلی} برای «جاودانه» هم دومرتبه در بافتار استعاره شتری که از سوراخ سوزن عبور می‌کند تکرار می‌شود (سوره اعراف: آیات ۳۶ و ۴۲).

چهارمین مورد میان‌متنیت در پرسش مرد ثروتمند و بافتار این بخش، واژه {معادل} «میراث‌بری» است. مرد ثروتمند از عیسی می‌پرسد که چه کند تا زندگی جاودانه را به‌میراث برد، که هم انجیل مرقس و هم انجیل لوقا (مرقس، باب دهم آیه ۱۷؛ لوقا، باب هجدهم آیه ۱۸) از واژه یونانی Kleronomeso یا واژه آرامی Irt برای «به‌میراث بردن» استفاده می‌کنند. گرچه این واژه بخشی از پرسش مرد ثروتمند در انجیل متی نیست، وقتی کسانی را توصیف می‌کند که زندگی جاودانه را به‌میراث خواهند برد، واژه «به‌میراث بردن» (Klērōnomesei/Nirat) در همان بافتار (پرسش مرد ثروتمند) به‌کار می‌رود (متی، باب نوزدهم آیه ۲۹). هفتادگانی در برخی موارد برای ترجمه واژه عبری Yrsh از گونه‌های تکواژشناختی واژه Kleronomeo استفاده می‌کند، که با Irt آرامی و «پَرِث» عربی به‌معنای «به‌میراث بردن» هم‌ریشه است (به‌عنوان مثال، کتاب مزامیر {یا زیور داوود}، باب سی‌وهفتم آیه ۲۹). در متن قرآنی، پس از بیان اینکه کسانی که در برابر آیات خداوند متکبرند (استکبرُوا) وارد بهشت نمی‌شوند {مگر} وقتی که شتر از سوراخ سوزن عبور کند، می‌گوید که بهشت را کسانی به‌میراث می‌برند (أورثتُموها) که شایسته هستند (سوره اعراف: آیه ۴۳).

فولادوند پیش از گیومه واژه‌ای را داخل کروشه قرار داده است. واژه Waxing، که در متن «افزاینده» ترجمه شده است، در اینجا ظاهراً به‌معنای «کامل شدن (یا افزایش) تدریجی» است - م.

در پنجمین مورد میان‌متنیت، قرآن یاد می‌کند که دروازه‌های بهشت «السَّمَاء» به روی کسانی که آیات خداوند را متکبرانه تکذیب می‌کنند گشوده نمی‌شود {مگر} اینکه شتر از سوراخ سوزن عبور کند (سوره اعراف: آیه ۴۰). تمایزگذاری بین واژه‌های قرآنی برای بهشت، یعنی «جنت» به معنای «باغ مخفی»، و «السَّمَاء» به معنای «آسمان» (بهشت)، حائز اهمیت است. برای نقل این گفته عیسی که ورود به قلمرو بهشت برای مرد ثروتمند دشوار است، انجیل متی از واژه یونانی Ouranos یا واژه آرامی Shmaya استفاده می‌کند (باب نوزدهم آیه ۲۳)، که با واژه عربی «السَّمَاء» که در قرآن به کار می‌رود قابل مقایسه است.^۱ دیاتسرون تاتیان هم در این روایت از تفسیر متی استفاده می‌کند. قضاوت اینکه قرآن دقیقاً از دیاتسرون تاتیان یا انجیل متی استفاده می‌کند یا خیر به معنای دقیق کلمه دشوار است، چراکه سایر انجیل‌ها به جای «بهشت» از «قلمرو خداوند» یاد می‌کنند.

انجیل لوقا مثل احمق ثروتمند (باب دوازدهم آیه ۱۳-۳۴) را حکایت می‌کند.^۲ در انجیل‌های هم‌نوا چندین مورد میان‌متنیت بین این مثل و {حکایت} مرد ثروتمندی که زندگی جاودانه را می‌جوید وجود دارد. مثل احمق ثروتمند درست پیش از روایت تاتیان درباره‌ی عبور شتر از سوراخ سوزن در دیاتسرون می‌آید (باب بیست‌وهشتم آیه‌های ۳۳-۴۱). {در اینجا} نخستین مورد میان‌متنیت این است که در هر دو نمونه {محور داستان} مردی ثروتمند است. دومین مورد این است که مرد ثروتمند در پی «به میراث بردن» زندگی جاودانه است، درحالی‌که در مثل احمق ثروتمند، محتوای موضوع «میراث‌بری» در جهان مادی است (لوقا، باب دوازدهم آیه‌های ۱۳-۲۴). سومین مورد این است که از مرد

۱. این مسأله می‌تواند حاکی از همه‌پسندی انجیل متی بین مسیحیان عرب باشد، چرا که سایر انجیل‌های هم‌نوا در این بخش به جای «قلمرو بهشت» (آسمان) از «قلمرو خداوند» استفاده می‌کنند. این موضوع از سوی بیشپ (۱۹۴۱) هم مطرح شده است که شاید انجیل متی در میان مسیحیان عرب نسبت به سایر انجیل‌ها همه‌پسندتر بوده است (ص. ۳۵۴)؛ همچنین بنگرید به البدای، ۲۰۱۴: ۷-۸. این احتمال وجود دارد که چون انجیل متی احتمالاً در ابتدا به زبان آرامی نوشته شده بود، (به سبب نزدیکی زبان سریانی و آرامی) در کلیساهای سریانی آغازین قابل فهم‌تر بوده است، و عاقبت از طریق آنها به مسیحیان عرب رسیده است.

۲. معادل دقیق واژه انگلیسی Fool و واژه آرامی Moros (متی، باب پنجم آیه ۲۲) در فارسی «احمق» است. آیه ۲۰ باب دوازدهم انجیل لوقا از واژه یونانی Aphron استفاده می‌کند که واژه‌ای نزدیک به «احمق» است. در اینجا، به پیروی از گلداری، معادل فارسی «احمق» به کار می‌رود - م.

ثروتمند که زندگی جاودانه را می‌جوید خواسته می‌شود که همه دارایی‌های خود را بفروشد و به فقرا بدهد تا از گنجینه‌ای که در بهشت است برخوردار شود؛ در مثل احمق ثروتمند برای برخورداری از گنجینه‌ای که در بهشت است همان خواسته مطرح می‌شود (لوقا، باب دوازدهم آیه ۳۳). برقراری ارتباطی بین مثل احمق ثروتمند و بخش مرد ثروتمندی که زندگی جاودانه را می‌جوید مهم است، زیرا انجیل در بافتار مثل احمق ثروتمند گفته عیسی را که هیچ‌کس نمی‌تواند حتی یک ساعت به زندگی خویش بیافزاید نقل می‌کند (لوقا، باب دوازدهم آیه ۲۵)، پس نباید نگران یا اندیشناک {=مضطرب} بود. انجیل می‌گوید مردمی که بهشت نصیب‌شان خواهد شد نباید بترسند (لوقا، باب دوازدهم آیه ۳۲). آیه ۴۰ باب دوازدهم لوقا ادامه می‌دهد که عیسی می‌گفت انسان باید برای آمدن آن ساعت آماده باشد.

به‌طور مشابه، در آیه‌هایی که پیش از آیه عبور شتر از سوراخ سوزن در قرآن می‌آیند، گفته می‌شود که وقتی آن زمان فرارسد، قومی قادر نیست ساعتی اضافی بر مدت آن بیافزاید (سوره اعراف: آیه ۳۴)، و کسانی که احسان می‌کنند و بهشت نصیب‌شان می‌شود نه می‌ترسند و نه اندوهگین می‌شوند (سوره اعراف: آیات ۳۵ و ۴۹). این‌ها به‌ترتیب ششمین و هفتمین مورد میان‌متنیت هستند. افزون بر این، واژه‌ای که در مثل احمق ثروتمند برای «احمق» به‌کار می‌رود واژه یونانی Aphron است، که با Aphrona ارتباط دارد، و به‌معنای «تکبر»، «نخوت»، «جهل»، «مکر» و «گناهکاری» نیز است (بنگرید به کیتل و همکاران، ۱۹۶۴، جلد نهم، صص. ۲۲۱، ۲۳۴-۲۳۵. همچنین بنگرید به دنکر، ۲۰۰۰، ص. ۱۵۹). این معنا میان‌متنیت دیگری را بین واژه‌های «ثروتمندبودن» و «متکبربودن» تصریح می‌کند که در عربی در برداشت چندمعنا از «استکبار» ترکیب می‌شوند. این هشتمین مورد میان‌متنیت بین قرآن و روایت انجیل از مرد ثروتمندی است که زندگی جاودانه را می‌جوید. وانگهی، حتی واژه آرامی Khsyr ra 'na برای «احمق» می‌تواند میان‌متنیت با قرآن را، که واژه‌های «خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ» (سوره اعراف: آیات ۹ و ۵۳) و «الخاسرین» (سوره اعراف: آیه ۲۳) را در بافتار عبور شتر از سوراخ سوزن به‌کار می‌برد، تصریح کند. دقیقاً همان‌طوری که گویی گرایش به مادیات این جهان در بخش مرد ثروتمندی که زندگی جاودانه را می‌جوید نکوهیده می‌شود، در مثل احمق ثروتمند نیز

چنین است.^۱ به نظر می‌رسد قرآن زندگی دنیوی را در بافتاری مشابه با استعاره‌ی عبور شتر از سوراخ سوزن نکوهش می‌کند (اعراف: ۵۱). شاید پیام انجیل علیه ثروت دنیوی را کلاً به‌مثابه نکوهش زندگی دنیوی تفسیر می‌کند، و این احتمالاً نهمین مورد میان‌متنیت است. همچنین جالب است که در آیه‌هایی که به‌دنبال عبور شتر از سوراخ سوزن در قرآن می‌آیند، بحث برخی پیامبران پیشین، و تکبر (یا ثروتمندی) (استکبراً) عده‌ای در قوم آنها است (اعراف: ۷۵-۷۶ و ۸۸). یکی از این داستان‌ها حکایت هود است. قرآن بیان می‌کند که قوم هود به او نسبت حماقت می‌دانند (سَفَاهَه؛ اعراف: ۶۶)، اما هود آن را انکار می‌کرد (اعراف: ۶۷). اگر میان‌متنیت با داستان احمق ثروتمند در انجیل لوقا را در ذهن داشته باشیم، چه‌بسا این بخش نشان‌دهنده تفسیری است که قرآن سعی در بیان آن دارد. در مثل احمق ثروتمند، احمق کسی است که ثروت‌های این زندگی {دنیوی} و نه زندگی بعد {اخروی} را می‌اندوزد، و به‌همین نحو به‌نظر می‌رسد که در توصیف قرآن {در اصل} کسانی که در این زندگی ثروت‌اندوزی می‌کنند، چنانچه از قوم هود مثل می‌زند (اعراف: ۶۹)، احمق‌اند و نه هود.

به‌طوری مشابه، وقتی قرآن در آیه ۸۹ سوره اعراف داستان شعیب را روایت می‌کند، نشان می‌دهد که چگونه شعیب از خداوند می‌خواهد که بین باورمندان و متکبران قوم او (استکبراً) گشایشی ایجاد کند (اعراف: ۸۸)، چراکه خداوند بهترین گشاینده‌گان است، که این گشایش نظیر گشودن دروازه‌های بهشت است که پیش‌ازین روایت شد.^۲ افراد متکبر ادعا می‌کنند که اگر از شعیب پیروی کنند متضرر {=زیانکار} خواهند بود (خاسرون) (سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۹۰). قرآن بعد از آن می‌گوید کسانی که از شعیب پیروی

۱. در انجیل‌های هم‌نوا ضدیتی عام علیه ثروت وجود دارد و به‌ویژه در انجیل لوقا چنین است. بنگرید به اشمیت، ۱۹۸۷، صص. ۱۳۵-۱۶۲.

۲. آیه ۸۹ سوره اعراف: «قَدْ افْتَرَيْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِنْ عُدْنَا فِي مِلَّتِكُمْ بَعْدَ إِذْ نَجَّانَا اللَّهُ مِنْهَا وَمَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَعُودَ فِيهَا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّنَا وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ». تمامی ترجمه‌های فارسی رایج (فولادوند، مکارم‌شیرازی، خرماشاهی، انصاریان و قمشاهی) عبارت «رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ» را «پروردگارا میان ما و قوم ما به حق داوری کن که تو بهترین داورانی» ترجمه کرده‌اند. گلداری در این متن معادل انگلیسی Open را برای «افتح» به‌کار می‌برد که در فارسی برابر «گشودن» است. همچنین، به‌نظر می‌رسد که ارجاع گلداری به آیه ۸۸ سوره اعراف برای تبیین بیشتر روایت باشد - م.

نکردند انگار که در خانه‌های خود توانگر نیستند (يَعْنُوا)، و آنها {همان} کسانی هستند که متضررند {=زیانکارند} (الْخَاسِرِينَ).^۱ داستان شعیب در این بخش‌ها با استفاده از واژگانی ویژه {تلویحاً} دوباره به مثل عبور شتر از سوراخ سوزن اشاره می‌کند: «گشایش»، «متکبر»، «تکذیب‌کنندگان» (كَذَّبُوا)، «توانگر» (غنی)، و «متضرران» {=زیانکاران}.

با این همه مورد میان‌متنیتی دیگری بین انجیل‌ها و قرآن وجود دارد، که مربوط به مثل احمق ثروتمند است. متعاقب این مثل، آیه ۳۵-۴۸ باب ۱۲ انجیل لوقا می‌گوید که چگونه عیسی از حواریون خواست تا در خانه هشیار {و آماده‌ی بازگشت مسیح} باشند. به نظر می‌رسد مثلی که در این بخش‌ها می‌آید در ارتباط با مثل ده باکره^۲ در آیه‌های ۱-۱۵ باب بیست و پنجم انجیل متی است، چنان‌که در هر دو مورد پیامی که منتقل می‌شود هشیار بودن و به خواب درنیافتادن است، زیرا ارباب (یا داماد) چه بسا هر لحظه {از راه} فرارسد. در هر دو مثل، واژه یونانی ضیافت عروسی^۳ به کار می‌رود (متی، باب بیست و پنجم، آیه ۱۰؛ لوقا، باب دوازدهم آیه ۳۶). وانگهی، در هر دو مثل پیام روشن‌نگه داشتن چراغ‌ها منتقل می‌شود (متی، باب بیست و پنجم آیه‌های ۱-۱۰؛ لوقا، باب دوازدهم آیه ۳۵). مثل ده باکره درباره کسانی که احمق هستند نیز صحبت می‌کند. مطابق با این مثل‌ها، و حتی مطابق با مثل احمق ثروتمند، دلیل هشیار بودن و بیدار بودن این است که ساعت {فرارسیدن} نامعلوم است و ارباب (یا داماد) می‌تواند هر لحظه {از راه} فرارسد. این درون‌مایه به سایر بخش‌های انجیل‌ها نیز ارتباط دارد، {یعنی} درجایی که نشانه‌های پایان روزگار توصیف می‌شوند ساعت {فرارسیدن آن} مشخص نیست، و مردم باید گوش‌به‌زنگ باشند و به خواب نروند، زیرا نمی‌دانند ارباب چه وقت بازمی‌گردد (متی، باب بیست و چهارم آیه‌های ۳۶-۴۴؛ لوقا، باب سیزدهم آیه‌های ۳۲-۳۷). به عنوان دهمین مورد میان‌متنیت، به‌طور مشابه آیه‌های قرآنی‌ای که در امتداد استعاره‌ی شتری که

۱. اشاره به آیه ۹۱ سوره اعراف است: «فَأَخَذْتَهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَائِمِينَ» (پس زمین‌لرزه آنان را فرو گرفت و در خانه‌هایشان از پا درآمدند) - م.

2. Ten Virgins

3. Gamon یا Gamous

از سوراخ سوزن عبور می‌کند پیش می‌روند پیامی {حاکمی} از هشیار و بیدار بودن منتقل می‌کنند، زیرا ساعت {فرارسیدن قیامت} نامعلوم است:

آیا ساکنان شهرها ایمن شده‌اند از اینکه عذاب ما شامگاهان درحالی که به خواب فرورفته‌اند به آنان برسد (۹۷) و آیا ساکنان شهرها ایمن شده‌اند از اینکه عذاب ما نیم‌روز درحالی که به بازی سرگرمند به ایشان دررسد (۹۸) آیا از مکر خدا خود را ایمن دانستند [باآنکه] جز مردم زیانکار (الْخَاسِرُونَ) [کسی] خود را از مکر خدا ایمن نمی‌داند (۹۹) مگر برای کسانی که زمین را پس از ساکنان [پیشین] آن به‌ارث می‌برند (یَرِثُونَ) باز ننموده است که اگر می‌خواستیم آنان را به [کیفر] گناهان‌شان می‌رساندیم و بر دل‌های‌شان مهر می‌نهادیم تا دیگر نشنوند (۱۰۰) (اعراف^۱).

به‌نظر می‌رسد این آیه‌های قرآنی کسانی را که زمین را به‌میراث می‌برند (یَرِثُونَ) از دیگرانی که پیش‌ازاین درباره آنها صحبت کرده بود، {یعنی کسانی} که بهشت را به‌میراث می‌برند، متمایز می‌کند. در آیه بعدی همین سوره در قرآن، تأکید می‌شود که ساعت {فرارسیدن قیامت} حتی برای پیامبر نامعلوم است (اعراف: ۱۸۷)، که مشابه همان برداشتی است که از سوی انجیل‌ها تصریح می‌شود که حتی پسر^۲ هم ساعت {فرارسیدن آن} را نمی‌داند (متی، باب بیست‌وچهارم آیه‌های ۳۶-۴۴؛ مرقس، باب سیزدهم آیه‌های ۳۷-۳۲) (البدآوری، ۲۰۱۴: ص. ۲۳۶). بر اساس این میان‌متنیت‌ها، شاید تفسیر آیه‌هایی از قرآن که درباره بستن دروازه‌های بهشت صحبت و تصدیق می‌کند کسانی که در برابر آیات خداوند متکبرند (استکبروا) وارد بهشت نمی‌شوند {مگر} وقتی که شتر از سوراخ سوزن عبور کند، به‌عنوان اشاره‌ای متنی به پیامی که در انجیل‌ها تصریح می‌شود، مناسب به‌نظر رسد. ازاین‌رو، شناخت نحوه ترجمه واژه‌ی «استکبروا» در قرآن این نوع اشاره‌ی متنی را، که نشان‌دهنده چگونگی تفسیر این مثل در قرآن است، آشکار می‌کند.

۱. تأکید «پیشین» که در کروشه [] است هم از گلداری و هم از فولادوند است. در سایر موارد بنگرید به پانویشت

۲. ص. ۱۰ - م.

۲. اشاره به عیسی مسیح (the Son) - م.

یازدهمین مورد میان‌متنیت آیه ۹۹-۱۰۰ سوره اعراف در قرآن است، که درباره احمق‌هایی (خاسروُن) صحبت می‌کند که میراث‌شان را همانند مثل احمق ثروتمند از دست می‌دهند. در آیه ۲۰ باب دوازدهم انجیل لوقا، راوی نشان می‌دهد که احمق ثروتمند چه بسا روح خود را از دست بدهد. احتمالاً واژه‌ی «خاسروُن» در آیه ۹۹ سوره اعراف نیز به کسانی اشاره می‌کند که روح خود را از دست می‌دهند، چراکه قرآن در همان سوره به‌وضوح درباره این مضمون سخن می‌گوید (خاسروُا انفسِهِم؛ سوره‌ی اعراف، آیه‌های ۹ و ۵۳)، و به‌کرات نافرمانان و تکذیب‌کنندگان را به‌عنوان کسانی که از دست‌رفته {=زیانکار} هستند توصیف می‌کند (خاسروُن؛ اعراف: ۲۳، ۹۲، ۹۹، ۱۴۹، و ۱۷۸). برای مثال، قرآن در آیه ۹۲ سوره اعراف {نوعی} بازی‌باکلمات با واژه‌ای که ریشه در «غنی» دارد به‌کار می‌برد تا نشان دهد که کافران هستند که توانگر (یعنوُا) نیستند، و از این‌رو کسانی هستند که ضرر کرده‌اند {=زیانکاران بوده‌اند} (خاسرین).

آیه‌های ۹۴-۱۰۲ سوره اعراف در مسیری مشابه پیش می‌روند. آیه‌های ۹۵-۹۸ سوره اعراف از آن هنگام حکایت می‌کند که ناگاه فرامی‌رسد، وقتی که هیچ‌کس آن را در نمی‌یابد یا در آن هنگام که در خواب یا {سرگرم} بازی هستند، مانند ساعتی که پیش‌تر شباهت‌های آن با آیه‌های ۳۵-۴۸ باب دوازدهم انجیل لوقا تبیین شد. همچنین اگر مردم تکذیب نکنند (کذبوُا)، دروازه‌های بهشت به‌روی‌شان گشوده خواهد شد (اعراف: ۹۶)، حال‌آنکه هیچ‌کس از برنامه خداوند {مکرّ الله} احساس امنیت نمی‌کند، جز متضرران {=زیانکاران} (الخاسروُن؛ اعراف: ۹۹). این هشدارها {=عبرت‌ها} به کسانی داده می‌شود که زمین را از ساکنان پیشین آن به‌میراث می‌برند (یرثوُن) (اعراف: ۱۰۰). این ایده ظاهراً نشان می‌دهد که قرآن درباره مفاهیم بنیادین مثل احمق ثروتمند در این بخش‌های انجیل لوقا صحبت می‌کند، که براساس آن نمی‌توان ترتیبی برای میراث‌بری این جهانی داد.

قرآن با داستان موسی ادامه می‌دهد، که در آن مضمون میراث‌بری در آیه‌های ۱۲۸-۱۲۹ سوره اعراف مطرح می‌شود. اما، در اینجا چون فرعون و قوم او در مقابل آیات خداوند همچنان متکبر بودند (استکبروُا) (اعراف: ۱۳۳) و آنها را تکذیب می‌کردند (کذبوُا) (اعراف: ۱۳۶)، زمین در عوض میراث (أورثنا) تسلیم‌شدگان {در برابر فرمان خداوند} {=مستضعفین} بود (اعراف: ۱۳۷).

اگر قرآن به توصیف انجیل‌ها از {فرد} ثروتمند به مثابه استعاره‌ای برای کسانی که در مقابل آیات خداوند متکبر هستند اشاره کند، به ویژه با توجه به احتمالات چندمعنای Plousios و «کبر»، آنگاه نکوهش {فرد} ثروتمند در انجیل‌ها ناظر بر اشاره‌ای احتمالی به آیه‌های ۱۸-۱۹ باب سی‌ویکم مزامیر است. در روایت‌های افراد ثروتمند و مثل احمق ثروتمند، که پیش‌تر مطرح شدند، چند کلیدواژه و عبارت وجود دارد که ذکر می‌شود: «فراوانی»، «چیزهای خوب» و «اندوختن ثروت». مفاهیمی مشابه در آیه‌های ۱۸-۱۹ باب سی‌ویکم مزامیر دیده می‌شود، جایی که خداوند است که «فراوانی نیکی» را برای افراد پرهیزکار می‌اندوزد؛ این در بافتار نکوهش افراد ثروتمند نیست، بلکه نکوهش تکبر در کسانی است که تکذیب می‌کنند و علیه افراد پرهیزکار مغرورانه سخن می‌گویند. در نتیجه، به نظر می‌رسد قرآن استعاره عبور شتر از سوراخ سوزن را در چنین بافتاری مطرح می‌کند.

۲. شتر و سوزن

چنان‌که گذشت، واژه یونانی Plousios {معادلی} برای «ثروتمند»، یا برای کسی که دارایی‌های فراوان دارد، در قرآن با واژه عربی «استکبار» ترجمه شده است. هر دو واژه در زبان‌های خاص خود چندمعنا هستند و می‌توانند معانی دوگانه‌ی «فراوانی» و «توانگری» را افاده کنند. اشاره به این نکته مهم است که سوره قرآنی‌ای که این آیه‌های مورد بحث در آن وجود دارند بایان این مطلب آغاز می‌شود که گناه شیطان غرور و تکبر بود، و ریشه واژه‌ی تکبر «کبر» است (اعراف: ۱۳). به گفته قرآن، گناه شیطان نفس‌پرستی بزرگ (کِبَر) است. این مسئله درکی از سبک انجیل‌ها و قرآن را در اختیار ما قرار می‌دهد. شاید این گفته، که در آن هر دو واژه یونانی Plousios و عربی «کبر» به معنای «فراوانی» و «وفور»، و همچنین «ثروتمندی» دیده می‌شود، این پیام را منتقل می‌کند که کسانی که نفس‌پرستی بزرگ (کِبَر) دارند آن‌قدر بزرگ (کبیر) هستند که در واقع عبور شتری از سوراخ سوزن از عبور آنها آسان‌تر است، زیرا نفس‌پرستی آنها بزرگ‌تر از شتر است. نفس‌پرستی‌ای که بزرگ‌تر از شتر است، تا آنجایی که نمی‌تواند از سوراخ سوزن وارد

شود، نکته‌ای است که از سوی صوفی امام احمد بن عمر به‌عنوان تفسیری نمادین برای این آیه‌های قرآن در کتاب التأویلات النجمیه فی التفسیر الاشاره الصوفی مطرح شد. با بررسی دقیق واژه‌ای که در قرآن به‌کار می‌رود، ظاهراً محتمل‌ترین {حالت} این است که با استفاده از ترجمه‌ای واژگانی^۱ از آنچه احتمالاً مضمون چندمعنای واقعی و موردنظر تعبیر می‌شود، از انجیل‌ها نقل قول (یا به آنها اشاره) شده است. به‌نظر می‌رسد قرآن این مثل را تفسیر می‌کند، چنان‌که می‌گوید نه‌تنها افرادی که دارای ثروت فراوان هستند، بلکه (و به‌ویژه) کسانی که نفس‌پرستی بزرگ دارند نیز (یعنی تکبر) ورود به قلمرو بهشت را دشوار خواهند یافت.

آبراهام گایگر (۲۰۱۲) معتقد است که ظاهراً ریشه به‌کارگیری استعاره عبور شتر از سوراخ سوزن از تلمود بابلی^۲ است، که می‌گوید انسان رؤیای چیزهایی که غیرممکن هستند را نخواهد دید (صص. ۵۲-۵۳). تلمود بابلی مثال‌هایی از این مفهوم را ارائه می‌دهد، از جمله:

معلم گفت، «چه‌بسا آگاه باشید که چنین است، بر مردمان در رؤیاها [چنین ناشدنی‌هایی چون] نخلی زرین یا پیلی که از چشمی سوزنی می‌گذرد هویدا نمی‌شود».^۳

نتیجه‌گیری

بر طبق یافته‌هایی که در این گفتار مورد تأکید قرار گرفتند، به‌نظر می‌رسد که بافتار کاربرد قرآنی عبور شتر از سوراخ سوزن تفسیری از روایت مشابه در انجیل‌ها، و به‌نحوی قابل‌ملاحظه‌تر دیاتسرون تاتیان است. گرچه پیش‌ازاین برخی محققان براساس استدلال‌هایی ضعیف از عبارت‌پردازی مشابه بین دیاتسرون عربی پساقرآنی و قرآن به نتیجه‌ای مشابه رسیده‌اند، بعید است به این دلیل باشد. دلیلی بهتر برای اینکه آیه‌های قرآنی بر پایه دیاتسرون تاتیان هستند، ارتباط درهم‌تنیده‌ی آن با بخش‌های مختلف انجیل‌ها است که {داستان فرد} ثروتمند را دربرمی‌گیرند، و دیاتسرون تاتیان آنها را به‌هم

1. Lexical Translation
2. Babylonian Talmud
3. The Babylonian Talmud, Berakhot 55b.

دوخته است (دیاتسرون: ۲۸-۲۹)؛ این به‌ویژه به مثل احمق ثروتمند و حکایت مرد ثروتمندی که زندگی جاودانه را می‌جوید مرتبط است.

در اینجا یازده مورد میان‌متنیت شناسایی شده است (برخی ضعیف‌تر از دیگران)، گرچه ظاهراً بافتارهایی متفاوت دارند که افراد ثروتمند در انجیل‌ها و تکذیب‌کنندگان متکبر در برابر آیات خداوند در قرآن را {به یکدیگر} مربوط می‌کنند؛ به‌اختصار عبارتند از: (۱) تمثیل عبور شتر از سوراخ سوزن؛ (۲) بازی با کلمات تکواژی در آیه قرآنی بین «غنی» (ثروتمندی) و «کبر» (تکبر)؛ (۳) شباهت در مفهوم زندگی جاودانه؛ (۴) شباهت در مفهوم میراث‌بری؛ (۵) کاربرد مشابه واژه بهشت (السَّمَاء)، نظیر روایت متی و دیاتسرون تاتیان؛ (۶) این ایده، در بافتار مثل احمق ثروتمند، که انسان نمی‌تواند حتی یک ساعت به زندگی خود بیافزاید، که مشابه بیان قرآن است که هیچ قومی قادر نخواهد بود یک ساعت {به زمانه‌ی خود} بیافزاید؛ (۷) اینکه کسانی که به بهشت می‌روند نباید بترسند، همان‌طور که در قرآن و در بافتار مثل احمق ثروتمند وصف می‌شود؛ (۸) اینکه احمق توصیف شده در انجیل لوقا Aphrōn است، که می‌تواند به معنای «متکبر» و «مغرور» نیز باشد، نظیر «کبر» قرآنی؛ (۹) نکوهش همه‌جانبه ثروت دنیوی در این نمونه‌ها در قرآن و انجیل‌ها (به‌ویژه در دیاتسرون تاتیان، که مثل‌های افراد ثروتمند و مرد ثروتمندی که از عیسی درباره‌ی زندگی جاودانه می‌پرسد را مطرح می‌کند)؛ (۱۰) اینکه درخواست از مردم برای هشیار بودن در آیه قرآنی شبیه پیام مشابه در مثل احمق ثروتمند است، که به‌خودی‌خود همانند مثل ده باکره است؛ و (۱۱) اینکه توصیف قرآنی از کسانی که میراث‌شان و روح‌شان را از دست داده‌اند به توصیف احمق ثروتمند شباهت دارد.

قرآن در مورد عبور شتر از سوراخ سوزن نه‌تنها از تمثیلی مشابه {تمثیل} انجیل‌ها استفاده می‌کند، بلکه به‌نظر می‌رسد آن را به‌خدمت می‌گیرد و پیام انجیل در این بافتار را تفسیر می‌کند. قرآن افراد ثروتمندی را که ورود به قلمرو بهشت برای آنها دشوار است به‌عنوان کسانی تفسیر می‌کند که آیات خداوند را متکبرانانه «استکبراً» تکذیب می‌کنند. مردان ثروتمندی که در انجیل‌ها نکوهش می‌شوند ظاهراً در قرآن به‌مثابه استعاره‌ای برای غرور و افرادی متکبر که آیات خداوند را نمی‌پذیرند تفسیر می‌شوند. شاید قرآن

پیام انجیل‌ها را نه تنها در مقام صحبت از افراد ثروتمند، بلکه از هرکسی که متکبر است، و از نفس پرستی‌ای بزرگ‌تر از شتر برخوردار است - چنان بزرگ (کبیر) که در واقع عبور شتر از سوراخ سوزن آسان‌تر از ورود آنها به قلمرو بهشت است، تفسیر می‌کند. سوره‌ی الاعراف در قرآن به کرات «استکبار» را نکوهش می‌کند، و با این گفته آغاز می‌شود که «استکبار» گناه اصلی شیطان است. قاعدتاً این {فرد} ثروتمند است که نکوهش می‌شود یا افراد متکبر؟ استثنائاتی در میان ثروتمندان نظیر یوسف الرامی^۱ وجود دارد، که به عنوان {فردی} ثروتمند^۲ توصیف می‌شود، اما به هر حال یکی از حواریون عیسی است (متی، باب بیست و هفتم آیه ۵۷). اما هیچ استثنایی در میان کسانی که متکبرند (استکبروا) وجود ندارد، که چگونگی تفسیر و ترجمه پیام افراد ثروتمندی است که از سوی عیسی نکوهش می‌شوند. در مثالی که در این گفتار توصیف می‌شود، قرآن برای ما این امکان را فراهم می‌کند که پیامی را که توسط انجیل‌ها منتقل می‌شود با گزینش واژه‌های چندمعنا و دقیق درک کنیم، در عین حال که در عمل پیام موردنظر را منتقل می‌کند.

به طور خلاصه، می‌توان دو مورد را نتیجه‌گیری کرد. نخست، محتمل است که این بخش از قرآن با بدیل خود در انجیل‌ها در ارتباط است. پیش‌از این سایر محققان به نتیجه‌گیری مشابه رسیده‌اند؛ اما این گفتار چند میان‌متنیت را برای تأیید این نظر شناسایی کرده است. دوم، احتمالاً قرآن تفسیر دیاتسرون تاتیان را به کار می‌برد و تفسیر می‌کند، یا اینکه شاید صرفاً برحسب تصادف به مرد ثروتمندی که از عیسی پرسش می‌کند و مثل احمق ثروتمند، که شیوه‌ای مشابه با شیوه‌ی تاتیان را به کار می‌برد، می‌پردازد. به عبارت دیگر، به مفاهیم مشابه در بخش‌های مختلف انجیل‌ها با یکدیگر، در این مورد درباره افراد ثروتمند (یا متکبر)، اشاره می‌کند.

1. Joseph of Arimathea
2. Plousios

کتابنامه

- ابن منظور. (۱۹۹۴). *لسان العرب*. بیروت: دار سدید.
- الرازی. (۲۰۰۰). *مفاتیح الغیب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- الطبری. (۲۰۰۰). *جامع البیان فی تأویل القرآن*. بیروت: الرساله.
- مسلم، و عبدالباقی، محمد فؤاد (ویراستار). (۱۹۹۵). *صحیح مسلم*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- Ali, M. (2008). Rethinking the Semitic Text: A Study of Intertextuality. *Studia Philosophica et Theologica*, 8(1).
- Bell, R. (1953). Introduction to the Qur'ān. *Edinburgh University publications/Language and literature texts*.
- Bertrand, D. A. (1980). L'Évangile des Ébionites: une Harmonie Évangélique Antérieure au Diatessaron. *New Testament Studies*, 26(4), 548-563.
- Bishop, E. F. (1941). The Eye of the Needle. *The Muslim World*, 31(4), 354-359.
- Botterweck, G. J. & Ringgren, H. (eds.) (1977). *Theological Dictionary of the Old Testament*. Grand Rapids: Eerdmans.
- Brown, F., Driver, S. R., & Briggs, C. A. (2000). *The Enhanced Brown-Driver-Briggs Hebrew and English Lexicon: With an Appendix Containing the Biblical Aramaic*. Logos Research Systems.
- Ciasca, A. (1888). *Tatiani Evangeliorum Harmoniae Arabice: Nunc Primum ex Duplici Codice Edidit et Translatione Latina Donavit p. Augustinus Ciasca*.
- Danker, F. W. (2000). *A Greek-English Lexicon of the New Testament and Other Early Christian Literature*. Chicago: The University of Chicago Press.
- Davies, W. D., & Allison, D. C. (1988). *A Critical and Exegetical Commentary on the Gospel According to Saint Matthew* (Vol. 1). Bloomsbury Publishing.
- Galadari, A. (2013-a). The Qibla: An Allusion to the Shema'. *Abdulla Galadari (2013) "The Qibla: An Allusion to the Shema", Comparative Islamic Studies*, 9(2), 165-193.
- Galadari, A. (2013-b). The Role of Intertextual Polysemy in Qur'anic Exegesis. *QURANICA-International Journal of Quranic Research*, 4(1), 35-56.
- Geiger, A. (2012). *Judaism and Islam: A Prize Essay*. Hong Kong: Forgotten Books. [Original edition Was hat Mohammed aus dem Judenthume aufgenommen?, Bonn: Baaden, 1833]
- Greenlee, J. H. (1995). *Introduction to New Testament Textual Criticism*. Hendrickson.
- Haupt, P. (1924). Philological and archaeological studies. *The American Journal of Philology*, 45, 238-259.
- Higgins, A. J. B. (1984). Luke 1-2 in Tatian's Diatessaron. *Journal of Biblical Literature*, 103(2), 193-222.
- Ibn Manzur. (1994). *Lisana al-arab*. Beirut, Lebanon: Dar Sadir.
- Jeffery, A. (1938). *The Foreign Vocabulary of the Qur'an*.
- Joosten, J. (2001). Tatian's Diatessaron and the Old Testament Peshitta. *Journal of Biblical Literature*, 120, 501-524.

- Kenyon, F. G. (1912). *Handbook to the Textual Criticism of the New Testament*. Macmillan.
- Kittel, G., Bromiley, G. W., & Friedrich, G. (Eds.). (1964). *Theological Dictionary of the New Testament*. Grand Rapids: Eerdmans.
- Kraeling, C. H. (1935). A Greek Fragment of Tatian's Diatessaron from Dura: Edited with Facsimile, Transcription and Introduction. *Studies and Documents*.
- Lancaster, R. C., & MacLeod, E. (Ed.). (2008). *Was the New Testament Really Written in Greek? A Concise Compendium of the Many Internal and External Evidences of Aramaic Peshitta Primacy*. Raphael Christopher Lancaster (RCL).
- Luling, G. (1974). Über den Ur-Qur'ān: Ansätze zur Rekonstruktion Vorislamischer Christlicher Strophenlieder im Qur'ān.
- Luxenberg, C. (2004). *Die Syro-aramäische Lesart des Koran: ein Beitrag zur Entschlüsselung der Koransprache*. Verlag Hans Schiler.
- Nasr, S. H., Dagli, C. K., Dakake, M. M., Lombard, J. E., & Rustom, M. (2015). *The Study Quran. A New Translation and Commentary*. New York.
- Nasser, M. M. A. (2013). The Polysemous Nature of Some Arabic Prepositions. *International Journal of Linguistics*, 5(2), 66.
- Nestle, E. (1901). *Introduction to the Textual Criticism of the Greek New Testament* (Vol. 13). Williams and Norgate.
- Neusner, J. (2005). *The Babylonian Talmud: a Translation and Commentary*. Hendrickson Publishers.
- Petersen, W. L. (1994). *Tatian's Diatessaron: its Creation, Dissemination, Significance, and History in Scholarship* (25). Brill.
- Ringgren, H., & Fabry, H. J. (Eds.). (1977). *Theological Dictionary of the Old Testament: Volume III* (Vol. 3). Wm. B. Eerdmans Publishing.
- Rippin, A. (1980). Qur'an 7.40: «Until the Camel Passes through the Eye of the Needle». *Arabica*, 27(2), 107-113.
- Robertson, A. (1925). *T. An Introduction to the Textual Criticism of the New Testament*. Nashville.
- Schmidt, T. E. (1987). *Hostility to Wealth in the Synoptic Gospels* (Vol. 15). A&C Black.
- Smith, R. P., & Hanson, K. C. (Eds.). (2007). *Thesaurus Syriacus*. Wipf and Stock Publishers.
- Souter, A. (1917). *The Text and Canon of the New Testament*. New York, NY: Charles Scribner's Sons.